

## عقل از منظر چهارده معصوم علیهم السلام

مریم موسوی\*، محمدحسین ایران دوست\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵)

### چکیده

اصطلاح «عقل» یکی از اصطلاحاتی است که در هر علم و بنا بر دیدگاه‌های مختلف، تعریفی خاص به خود پیدا کرده و تفاوت‌هایی که در معانی این اصطلاح وجود داشته همواره باعث سوء تفاهم‌هایی شده است. یکی از این دیدگاه‌ها، دیدگاه ائمه معصوم (ع) راجع به عقل و جایگاه آن است که در واقع کامل‌ترین و جامع‌ترین دیدگاه‌هاست. روش این مقاله توصیفی - تحلیلی است که با جستجو در منابع دینی گردآوری شده است. دین اسلام برای عقل ارزش زیادی قائل است و حجیت آن را می‌پذیرد و برای ایمانی که متکی به عقل نباشد، ارزشی قائل نیست. در دیدگاه امامان معصوم (ع) هم ارزش بسیار زیادی به عقل و معرفت داده شده و در عین حال توصیفات آن که از عقل ارائه شده در تعارض با عقل منفعت‌جو و خودمحور است. در روایات اسلامی از عقل به عنوان پیامبر درونی تعبیر می‌شود و فقه‌های شیعه عقل را یکی از ادله چهارگانه استنباط احکام شرعی به حساب می‌آورند؛ و علم و تجربه به برکت عقل کارایی لازم را پیدا می‌کنند و نقش عمده‌ی عقل در تعدیل غرائز و عواطف و احساسات انسان قابل انکار نیست. روایات منقول در این نوشتار نیز عهده‌دار بیان این حقایقند.

### کلیدواژگان

انواع عقل، چهارده معصوم، عقل، معانی عقل.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فلسفه، واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: استادیار، واحد قم دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: mohirandoost@gmail.com

## طرح مسئله

عقل موهبتی از موهبت های الهی است. اهمیت عقل نیز بر کسی پوشیده نیست، چرا که به واسطه گوهر گرانبهای عقل است که معارف الهی و علوم بشری از مبدأشناسی تا معادشناسی تحصیل می شود. و نیز با عقل سعادت دنیا و آخرت حاصل شده و حق و باطل، درست و نادرست، زشت و زیبا سنجیده می شود. هم چنین با عقل احکام الهی از کتابهای آسمانی و سنت رسولان و اوصیائشان استنباط و حیات فردی و اجتماعی تنظیم می شود. عقل و خرد یکی از ابزارهای شناخت در معرفت شناسی است. انسان برای شناختن به نوعی تجزیه و تحلیل نیاز دارد که این کار توسط عقل و تعقل انجام می گیرد.

عقل یک سری توانایی ها و یک سری محدودیت هایی دارد که بدون شناخت آن نمی توان به حقیقت رسید. و در حقیقت کلام نورانی معصومین (ع) در این زمینه شایسته ترین منبعی است که راه مستقیم را به ما نشان می دهد. و نیز کلام ایشان در چیستی و ارزش عقل فراوان است. در این مقاله برآنیم که روایات عقل را از چهارده معصوم (ع) بیاوریم تا حقیقت عقل تبیین گردد.

## عقل از دیدگاه پیامبر مکرم اسلام (ص)

پیامبران، امامان، اولیاء، نخبگان و بندگان صالح الهی، همه اهل خرد و تعقل و مروج تفکر و اندیشه بوده اند. از جمله، ابوذر شاگرد تربیت شده و خردورز پیامبر اکرم (ص) بیشترین اوقات خویش را صرف تعقل و اندیشه و عبرت اندوزی و بهره گیری از خرد خویش و دیگران کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۴۳۱). پیامبر اکرم (ص) نیز به عنوان خاتم پیغمبران و عقل کل، در معرفی خرد و خردمندان و جایگاه عقل در مکتب اسلام و آثار آن سخنان نغز و دلنشینی دارد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

پیامبر اکرم (ص) در تعریف عقل چند شاخصه ی زانوبند نادانی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵)، روشنگر قلب (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۴۸)، جداکننده حق از باطل (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۸)، وسیله کسب بهشت و خشنودی خداوند (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۹) را ذکر می کند و نیز جایگاه و عظمت عقل را در عظیم ترین خلقت (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴،

ص ۱۵)، قوام انسان (کراچکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۱)، عامل تقرّب انسان به خداوند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۸۲)، صفت پیامبران (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۳) و موجب کمال و سعادت می داند. چون منشأ تمام خوبیها (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۴)، سرچشمه صفات نیک (همان، ص ۱۶-۱۵)، راهنمای انسان (رضی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵) است و برترین عقلها را عقلی معرفی می کند که انسان را به سوی اهداف نورانی هدایت کند. و شناخت انسان را نسبت به خالق هستی، جهان شناسی، و انسان شناسی بیشتر سازد. در این میان، شناخت خداوند و درک عظمت او و در نتیجه، اطاعت و فرمانبری او، از جایگاه ویژه برخوردار است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۰). عقل هر چه بیشتر با خدا آشنا شود و از او اطاعت و پیروی نماید، رشد بیشتری خواهد کرد و به اوج کمال خود خواهد رسید (همان، ص ۵۴). این احادیث همه نشان از جایگاه والای عقل در نزد پیامبر مکرم اسلام (ص) است.

حضرت محمد (ص) نشانه های خردمندان را چنین بیان می کند: حلم و تواضع و تدبیر (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۶)؛ اطاعت خدا (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۸)، مدارای با مردم (همان، ص ۱۴۵)، فراگیری علم و نشر آن (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۹)، دوری از دنیا و آمادگی برای آخرت (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۳۳۳)، توبه از گناهان (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲). حضرت پیامبر (ص) ویژگی های دیگری را برای صاحبان عقل برمی شمرد: آنان که دارای اخلاق خوبانند، بردبار و باوقارند، صلّه رحم می نمایند، به پدران و مادران نیکی می کنند، به فقرا، همسایگان و یتیمان رسیدگی می نمایند، اطعام می کنند، آشکارا به همه سلام می کنند و هنگامی که مردم در خواب و غافلند، نماز (نماز شب) می گذارند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۰).

### عقل از دیدگاه امام علی (ع)

وجه ممیز انسان از موجودات دیگر، عقل او است، و آدمی با تعقل به حیات انسانی خویش ادامه می دهد. به فرموده امام علی (ع) «الانسان بعقله» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۶)؛ انسان به عقل خود انسان است. و باز می فرماید: «اصل الانسان لبه» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰)؛ اصل انسان خرد او است. بدین سان اهمیت عقل و تعقل از دیدگاه امام علی (ع) بررسی می شود، چرا که خداوند

متعال با فضل خویش آن امام حکیم را از عالی‌ترین درجه عقل بهره‌مند ساخته است و هم‌اوست که می‌تواند مفسر عقل و تبیین‌کننده تعقل و مسیرهای درست آن باشد.

ویژگی‌هایی چون دوری‌جستن از گناه و عاقبت‌اندیشی (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۸۱۷)، تجربه‌اندوژی (رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۲)، عمل به دانسته‌ها (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۳)، میانه‌روی، وفای به عهد و بردباری (همان، ص ۱۲۲)، غریزه (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۲)، منفعت (همان، ص ۱۱۷) در تعریف عقل از نظر امام علی (ع) وجود دارد.

از نگاه امام علی (ع) عقل مهم‌ترین نعمتی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است، و همین موهبت الهی، وجه تمایز انسان از چارپایان است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۵) از همین روست که امام علی (ع) در اهمیت ارزش هر انسانی، خرد اوست (رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۷۵).

مولای بزرگوار، امیرالمؤمنین (ع) عقل را به دو بخش تقسیم می‌کند: عقل مطبوع و عقل مسموع. عقل مسموع سودمند نخواهد بود مگر اینکه شخص دارای عقل مطبوع باشد. همچنان‌که خورشید وجود نداشته باشد چشم از دیدن (اشیاء) محروم است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۵).

در جای دیگر عقل را به دو نوع عقل طبیعی و عقل تجربی تقسیم می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۶).

امام علی (ع) کارکردهای فراوانی را برای عقل ذکر می‌کند که به سه دسته شناختی، عملی و ابزاری تقسیم می‌شود: علم و آگاهی (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۹۱)، خودشناسی (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۶) و خداشناسی (شعیری، بی‌تا، ص ۴) از مصادیق کارکرد شناختی عقل است. کمال نفس (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۳۴)، مدارا با مردم (همان، ص ۳۲۹)، سخاوت (همان، ج ۲، ص ۱۵۱)، دوری از گناهان (همان، ج ۴، ص ۳۷۹)، افزایش حلم (همان، ج ۳، ص ۲۲۱)، ادب (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۱)، راستگویی (همان، ص ۳۲۸)، عدالت و رزق (همان، ص ۳۸۰)، جوانمردی (همان، ص ۷۰۵) و رفتار نیکو (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۳) از مصادیق کارکرد عملی عقل است. حسن تقدیر معاش (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۷۲)، حسن

تدبیر (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۲) و دوران‌دیشی (همان، ص ۳۵۰) از مصادیق کارکرد ابزاری عقل است.

حضرت امیر (ع) نشانه‌های عاقلان را چنین بیان می‌کند: ترک هوس برای تحصیل آخرت (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۴)، پرهیز از گناهان و پاکی از عیوب (همان، ص ۳۶)، ریشه کن کردن هوای نفس (همان، ص ۱۶۲)، حفظ زبان (همان، ص ۳۷)، بازداشتن زبان از غیبت (همان، ص ۹۰)، طلب کمال (همان، ج ۱، ص ۱۵۳)، طلب آموزش (همان، ج ۲، ص ۲۹)، تلاش در عمل (همان، ص ۹۲)، فریب نمی خورد (همان)، خودداری از ترس و خشم (همان، ص ۱۱۱)، گرایش به حکمت (همان، ج ۴، ص ۹۴)، عمل به آگاهی و اخلاص (همان، ج ۲، ص ۸۵)، پرهیز از خودرایی (همان، ص ۶۴)، کم‌گویی (همان، ص ۳۵)، کارنیکو (همان، ص ۵۱)، زهد در دنیا و رغبت به آخرت (همان، ص ۶۸)، عدم تباه نفس (همان، ص ۱۵۵). و اطاعت از خدا (همان، ص ۴۲۸) فرمانبرداری از خردمندان (همان)، نیکوکار خداترس (همان، ص ۳۸۷)، گریزانترین از پستی‌ها (همان، ص ۱۵۵)، آگاه به عیب خود (همان، ص ۴۴۵)، سکوت در مقابل نادانان (همان، ص ۴۶۵)، دوران‌دیش‌ترین افراد (همان، ص ۴۸۴)، با حیات‌ترین افراد (همان، ص ۳۸۰)، تسلیم حق (همان، ص ۴۷۷)، عاقلانه نظر کردن (همان) از صفات خردمندترین افراد از نگاه امیرالمؤمنین (ع) است. و پرداختن به کارهای بیهوده (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۳۲)، افزایش شوخی (همان، ج ۵، ص ۳۲۰)، مصون نبودن از خطا (همان، ص ۴۶۲)، بیماری (همان، ج ۶، ص ۳۹۹)، بی‌دینی (همان، ص ۴۰۰)، بی‌اعتمادی (همان، ص ۴۰۶)، بدسخن (همان، ج ۵، ص ۲۰۳)؛ ناامیدی (همان، ص ۲۲۴) از آثار کم‌خردی از نگاه حضرت امیر (ع) است.

کار برای آخرت (همان، ج ۳، ص ۴۱۱)، کوشش در معاد و معاش و لذت حلال (همان، ج ۵، ص ۹)، رفتار طبیعیانه با نادان (همان، ج ۶، ص ۴۴۴)، مشورت با دیگر خردمندان (همان، ج ۳، ص ۴۰۸)، پیروی از اندیشه‌های درست (همان، ج ۳، ص ۱۸۵)، پرهیز از اعتماد کامل به عقل خود (همان، ج ۲، ص ۲۶۷)، مبارزه با نفس (همان، ج ۴، ص ۲۳۲)، دوری از سرگرمی‌ها (همان، ج ۲، ص ۳۹۹)، ادب داشتن (همان، ج ۴، ص ۳۹)، پرهیز از گمراهی عقل (همان، ص ۲۳۹) و همنشینی با

عالمان و دوری از بدان (همان، ج ۶، ص ۴۴۶) از رهنمودهای حضرت (ع) برای خردمندان است. شهوت (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۳۵)، غضب (همان، ج ۱، ص ۳۵۷)، غفلت و بی‌توجهی (همان، ج ۵، ص ۲۹۳)، عجب و خودبینی (همان، ج ۱، ص ۱۸۹) از موانع و عوامل بازدارندهٔ رشد عقل از نظر امام علی (ع) است.

### عقل از دیدگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خطبه مشهور فدکیه از عقل برای تبیین توحید نظری استفاده کرده است و می‌فرماید: و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۲۲۱). خداوند معنا و مفهوم کلمه توحید را در پیشگاه عقل و اندیشه واضح و روشن فرمود. مقصود توحید نظری است که عبارت است از تفکر در دلایل و براهین روشن و اندیشه در نشانه‌های وجود خدا در جهان درون و برون انسان (قزوینی، ۱۳۹۳، ص ۴۲۱). حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این باره که خداوند با چشم دیده نمی‌شود می‌فرماید: «الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيِيَّةٌ»؛ حق تعالی جسم، جوهر و عرض نیست و چشم جز اجسام و اعراض را درک نمی‌کند و نمی‌بیند. این نفی فقط نفی رؤیت نیست بلکه ادراک نشدن او بوسیله کلیه‌ی حواس مثل شنوایی، چشایی و حسی است (همان). و نیز حضرت (سلام الله علیها) برای تقویت برهان و استدلال به وجود خدا می‌فرماید: «و اعزاً لادعوته»؛ خداوند جهان اشیاء را آفرید تا کسانی که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند، مانند انبیاء و غیر آنان، از این راه، بر تقویت برهان‌های عقلی به وجود خدای تعالی بیفزاید (همان، ص ۴۲۷). و نیز حضرت (سلام الله علیها) منع استدلال‌های عقلی را حجت‌های الهی می‌داند و می‌فرماید: «بِه تَنَالُ حُجَجُ»

اللَّهِ الْمُنَوَّرَةَ؛ حجت آن چیزی است که انسان با آن احتجاج می کند و بوسیله آن، استدلال در قضایای عقلی و احکام شرعی و امور عرفی ممکن می گردد» (همان، ص ۴۴۵).

### عقل از دیدگاه امام حسن (ع)

رسول خدا (ص) هر کدام از اهل بیت (ع) خود را به صفتی متصف فرمودند؛ حضرت در مورد سبط اکبرشان امام حسن مجتبی (ع) چنین می فرماید: اگر قرار بود عقل به صورت یک انسان تجسم پیدا کند به صورت امام حسن (ع) ظاهر می شد: «لو كان العقل رجلاً لكان الحسن (ع)» (ابن سعد الدین شافعی، 1400، ج ۲، ص ۶۸)؛ در حقیقت تجسم عقل و خرد و اندیشه، امام حسن مجتبی (ع) است. البته این تجسم قابل صدق بر ائمه دیگر نیز هست چرا که «کلهم نور واحد» اما با عنایتی به امام حسن (ع) متصف شده است.

امام حسن (ع) برای تعریف عقل چهار تعبیر بیان کرده اند:

۱. عقل برترین هدیه الهی است که برای بنده مصونیت از آفات دنیا ایجاد می کند و از سلامتی آخرت بهره مند می شود و از عذابش محفوظ می ماند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۹).

۲. عقل دژ است (همان).

۳. عقل جرعه، جرعه غصه ها را نوشیدن و با دشمنان سازش کردن (ابن بابویه، 1376، ص ۶۷۱).

۴. حفظ ودیعه قلب (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۴۰۱). در کتاب های لغوی قلب به عقل نیز تعبیر شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۰۳).

امام حسن (ع) به یکی بودن لب و عقل تصریح کرده است و صاحب عقل را محوری در جامعه، برای پاسخ گویی به نیازهای مردم معرفی می کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹) و ادب (اریلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۷۱)، خوش رفتاری با مردم (همان) و خیرخواهی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۶) از آثار عقل به فرموده ی امام حسن (ع) است.

### عقل از دیدگاه امام حسین (ع)

به دلیل تقارن دوران امام حسین (ع) با امام حسن (ع) احادیث اندکی از امام حسین (ع) روایت شده است زیرا امام (ع) جانب ادب را رعایت کرده و در جایی که برادر بزرگوارشان امام حسن (ع) سخن گفته اند، ایشان سکوت کرده است. لذا احادیث اندکی از امام حسین (ع) وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

از امام حسین (ع) سؤال می‌شود که عقل چیست: ایشان در جواب چنین می‌فرمایند: جرعه، جرعه غصه‌ها را نوشیدن و با دشمنان سازش کردن (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۵) این حدیث از امام حسن (ع) نیز نقل شده است. و نیز می‌فرماید: عقل الزام به حق و راستگویی است (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۴). امام حسین (ع) کمال عقل را در پیروی از حق می‌دانند (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۸). امام حسین (ع) نیز نشانه‌های عاقل را هوشیاری و دور اندیشی، تقوا و اطاعت الهی می‌داند (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۴). امام حسین (ع) بین عقل و تجربه رابطه‌ای برقرار می‌کند و می‌فرماید: علم ماده و ریشه معرفت است و تجربه‌های طولانی عقل را زیاد می‌کند (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۸).

### عقل از دیدگاه امام سجاد (ع)

اوضاع سیاسی در دوران امام سجاد (ع) به شدت خفقان بود، لذا امام (ع) اجازه نشر سخنان و معارف اهل بیت (ع) را نداشتند و بیشتر در قالب دعا و نیایش این امر را به انجام می‌رساندند، به همین دلیل احادیث اندکی از آن حضرت (ع) در دست است.

امام سجاد (ع) عقل را راهنمای خیر و سعادت می‌داند (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۹) و رشد عقل را در آداب علما، بیان می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰) و نیز آزار نرساندن را از نشانه‌های کمال بر می‌شمرد (همان) و نیز هلاکت را در بی‌خردی می‌داند (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۴). امام سجاد (ع) عقل را یکی از نشانه‌های مؤمن حقیقی دانسته است (همان) در واقع امام سجاد (ع) در این حدیث اوصاف یک مؤمن واقعی را بیان می‌کنند که به کارگیری عقل یکی از آن اوصاف است.



### عقل از دیدگاه امام باقر (ع)

امام محمد باقر (ع) عقل را هدیه ای از جانب خداوند می داند (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۹۶) و نیز فرمود: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت پیش آی پیش آمد، گفت بازگرد، بازگشت، فرمود بعزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو نزد من محبوبتر باشد نیافریدم و ترا تنها بکسانی که دوستشان دارم بطور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰). امام باقر (ع) برای هر چیزی ذکری را بر می شمرد و برای عقل ذکر تعظیم و حیاء را نام می برد (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۰۴). حضرت (ع) رشد کامل عقل را در دوران ظهور حضرت حجت (عج) بیان می کند و می فرماید: وقتی قائم ما قیام کند، خداوند، دست او را بر سر بندگان قرار می دهد و از این طریق عقل آنان را جمع می کند و عقل هایشان به کمال می رسد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵). منظور از دست، فرشته ای است که موکل قلب است و واسطه عطاهای الهی و فیوضات ربانی بر قلب است. و منظور از «سر بندگان»، نفس ناطقه و عقل هیولانی آنها است. و مقصود از «جمع عقول»، این است که خداوند به واسطه همان فرشته قدسی، عقل بندگان را از معارف و الهامات، کامل می کند؛ چرا که عقل انسان در ابتدای آفرینش، در طبایع بدن و در حواس آن منتشر است و علاقه مند به آرزوها و شهوات نفسانی است و در زندان آرزوها محبوس است. حال اگر توفیق الهی شاملش شود، و متوجه شود که عالم دیگری غیر از این عالم دنیا وجود دارد، نسبت به خود معرفت پیدا خواهد کرد و از طریق کسب علم و حال، عقلش را کامل خواهد کرد و در نتیجه، به سراغ کمال خود خواهد رفت و به معدن اصلی خود برگشته و از مقام تکثر به مقام جمع خواهد رسید. باید توجه داشت که نفس انسانها از زمان خلقت بشر در لطافت و پذیرش و داشتن استعداد، سیر صعودی داشته است (صدرالدین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۶۵ - ۵۶۶).

### عقل از دیدگاه امام صادق (ع)

امام صادق (ع) در زمینه آفرینش عقل می فرماید: خداوند عزوجل عقل را آفرید یعنی بدون واسطه

آن را خلق فرمود. بنابراین تنها عقل آفریده بدون واسطه خداوند است و بقیه ممکنات توسط عقل آفریده شده اند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۶). در این روایت امام صادق (ع) از عقل به عنوان موجود نورانی، روحانی و اولین مخلوق یاد نموده است. خداوند او را عظیم و کریم آفریده است؛ یعنی در آفرینش او عظمت و کرامت قرار داده است. بدین جهت در روایت دیگری امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند مخلوقی برتر از عقل خلق نکرده است (حرعاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۰۶).

محمد بن یعقوب کلینی مباحث اثر شریف کافی را با کتاب العقل و الجهل شروع نموده است که از اهمیت و اولویت عقل شناسی بر دیگر معارف از منظر وی حکایت دارد. کتاب العقل و الجهل مشتمل بر ۳۴ حدیث است که احادیث ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۴ از امام صادق (ع) نقل شده است که احادیث مذکور نیمی از احادیث این کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. این گزارش کمی به روشنی بر اهمیت و جایگاه عقل در تعالیم امام صادق (ع) دلالت دارد. با امعان نظر در احادیث منقول از امام صادق (ع) درمی‌یابیم که امام با روی آوردهای متفاوت متناسب با سؤال یا ویژگی‌های سائل یا دیگر مقتضیات، به تبیین ماهیت عقل و معانی گوناگون و کارکردهای متفاوت آن پرداخته‌اند. عقل دارای کارکردهای متنوع شناختی، عاطفی و رفتاری است. هر یک از جنود عقل که امام صادق (ع) از آنها با ۷۵ عنوان یاد می‌کند که گستره‌های متنوع کارکردهای عقل را در حیات بشری نشان می‌دهد. خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی و شناخت تعالیم اعتقادی دینی از جمله کارکردهای شناختی و نظری عقل و درک حسن و قبح، راهنمایی به حسن خلق، پرستش خداوند و مانند آن از جمله تعالیم امام صادق (ع) در زمینه عقل عملی است. شناخت جنود عقل و جهل موجب هدایت انسان می‌شود و او را از گرداب جهالت رهایی و به کمال انسانی رهنمون می‌گردد. لذا بهره‌مندی انسان‌ها از هدایت بخشی عقل یک امر نسبی و اکتسابی است (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸-۱۹۰).

برخی کارکردهای عقل از منظر آن حضرت عبارتند از: معیار شناخت خداوند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴)، درک حسن و قبح (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹) پرستش خداوند و اکتساب بهشت (همان، ص ۱۱) عامل دین داری (همان) اعتباریابی اعمال و

تناسب پاداش با مقدار عقل (همان، ص ۱۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۰)، عقل هدایت بخش انسان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۹)، کمال انسان (همان، ص ۲۳)، مقوم نوع انسانی (همان، ص ۲۵)، تعمیق ایمان (همان)، رستگاری (همان، ص ۲۶)، عنصر سازنده حُسن خلق (همان، ص ۲۳). منبع دریافت حقایق، معارف و احکام الهی (همان، ص ۲۵ و ۲۸؛ کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۶). در روایت سماعه از امام صادق (ع) عقل و جهل دارای جنود و لشگر تلقی شده اند که از نظر کمی هر یک دارای هفتاد و پنج لشگر هستند؛ یعنی هیچ یک بر دیگری برتری کمی ندارد. امام صادق (ع) با بهره گیری از روش شناساندن اشیاء به اعدادشان، جنود عقل و جهل را معرفی نموده اند. از منظر روش شناسی، روش مذکور، سازوکارهای شکوفایی عقل را در وجود آدمی به دست می دهد. امام (ع) با معرفی جنود شیطان، آسیب های شکوفایی عقل را نیز ارائه داده اند، لذا حدیث سماعه دارای دو نوع روی آورد ایجابی و سلبی در مقوله ی عقل است. جنود عقل مبین روی آورد ایجابی یعنی ارزش ها و بایدها و جنود جهل، معرف ضد ارزش ها و نبایدهاست. چنان که قناعت از جنود عقل یک باید و حرص و آز از جنود جهل، یک نباید اخلاقی است. رجاء و امیدواری از جنود عقل یک ارزش اخلاقی و قنوط و ناامیدی از جنود جهل و از نبایدهای اخلاقی به شمار می آید. راستگویی از جنود عقل، یک ارزش اخلاقی و دروغگویی از جنود جهل، از نبایدهای اخلاقی است. بررسی تحلیلی جنود عقل و جهل ما را به این واقعیت رهنمون می شود که جنود عقل و جهل تعالیم سه گانه اعتقادات، اخلاق و احکام را شامل می شود چنان که گزاره های چون «الایمان و ضدهُ الکفر» و «و التصدیق و ضدهُ الجحود» ناظر به آموزه های اعتقادی و گزاره های چون «التوکل و ضدهُ الحرص» و «و الحلم ضدهُ السفه» ناظر به آموزه های اخلاقی و گزاره های چون «و الحجج و ضدهُ نبذ الميثاق» و «و الصوم و ضدهُ الافطار» از شمول جنود عقل و جهل نسبت احکام حکایت دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱).

### عقل از دیدگاه امام موسی کاظم (ع)

امام کاظم (ع) در یک حدیث طولانی توصیه هایی به هشام بن حکم درباره عقل و اوصاف آن می کند که شرح این حدیث در کتاب تحف العقول چنین است:

امام کاظم (ع) عقل را لطفی از الطاف الهی می‌داند و به هشام می‌گوید: ای هشام! هر آن کس که خدا سه چیز به او عنایت کند به راستی که به او لطف نموده است: خردی که او را از دشواری هوای نفسش دور دارد و دانشی که از دشواری نادانی او را برکنار دارد و توانگری‌ای که هراس از تنگدستی را از او دور سازد. و نیز به اهل عقل و فهم بشارت می‌دهد که خداوند راه و راهنمای خردمندان خواهد بود. امام کاظم (ع) نشانه‌های ربوبیت پروردگار را آفرینش آسمان و زمین، شب و روز، کشتی‌های موجود بر صفحه اقیانوس، باران‌های پربرکت، وزش بادهای و ابرهای تحت فرمان برمی‌شمرد که نشانه‌هایی برای تعقل و خردورزی خردمندان است.

امام کاظم (ع) توصیه‌هایی به اهل خرد می‌کند و می‌فرماید: ای هشام! پس آنگاه خداوند خردمندان را پند داده و آنان را مشتاق آخرت گردانده و فرموده است: و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشند؟! و فرموده: «و هر آنچه به شما داده شده است متاع زندگی دنیا و زیور آن است. و [لی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است، پس آیا تعقل نمی‌کنید؟ ای هشام! سپس آنان را که به عذاب خدا نمی‌اندیشند بیم داده و خدای عزیز و جلیل فرموده است: «سپس دیگران را هلاک کردیم» و در حقیقت، شما بر آنان، صبحگاهان\* و شامگاهان می‌گذرید. پس آیا تعقل نمی‌کنید؟ امام (ع) همراهی عقل و علم را به هشام گوشزد می‌کند: ای هشام! پس آنگاه روشن ساخته که عقل همراه دانش است و فرموده است: «و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و [لی] جز دانشوران [در] آن‌ها تعقل نمی‌کنند». و نیز می‌فرماید: شناخت جز با عقل حاصل نمی‌شود.

حضرت (ع) در نکوهش آنانی که تعقل نمی‌کنند به هشام می‌فرماید: ای هشام! سپس آنان را که تعقل نمی‌کنند نکوهش کرده و فرموده است: «و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید»، می‌گویند «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم». آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند باز هم در خور پیروی هستند». و دیگر بار فرموده است: «قطعاً بدترین جنبندها نزد خدا کران و لالانی‌اند که تعقل نمی‌کنند». و باز هم فرموده: و اگر از آنان بپرسی «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده

است؟ مسلما خواهند گفت: «خدا». بگو: «ستایش از آن خداست». ولی بیشترشان نمی دانند». سپس اکثریت را نکوهش کرده و فرموده است: «و اگر از بیشتر کسانی که در این سرزمین می باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند». و باز هم فرمود: «لیکن بیشتر آنان نمی دانند». و بیشتر آنان نمی فهمند. سپس خردمندان را مدح می کند و می فرماید: ای هشام! پس آنگاه [گروه] اندک را ستوده است و فرموده: «و از بندگان من اندکی سپاسگزارند». و فرموده: «و ایشان اندکند» و [دیگر بار] فرموده: «و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند». و نیز می فرماید: ای هشام! سپس خداوند عقل و رزان را به نیکوترین حالت یاد نموده و به زیباترین زیور آراسته و فرموده است: «خدا به هر کس که بخواهد حکمت می بخشد و به هر کس حکمت داده شود به یقین خیری فراوان داده شده است، و جز خردمندان کسی پند نمی گیرد» و نیز می فرماید: ای هشام! کردار اندک از خردورز چند برابر پذیرفته آید و کردار بسیار از هوسباز و نادان پذیرفته نیاید. و نیز فرمود: ای هشام! چیزی برتر از خرد میان بندگان تقسیم نشده است و خواب خردورز برتر از شب‌زنده‌داری نادان است و خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت جز آن که خردورز بود تا آنجا که خردش از تلاش همه تلاشگران برتر بوده است و بنده هیچ واجبی از واجبات را به جا نیاورد تا اینکه به آن تعقل کند. ای هشام! همنشین با دینداران، بزرگی دنیا و آخرت است و مشورت جویی از خردورز خیرخواه خجستگی و برکت و رشد و توفیقی از خداوند است؛ پس چون خردورز خیرخواه مشورتی به تو داد از مخالفت با او بپرهیز؛ چرا که در آن نابودی باشد». ای هشام! از معاشرت و الفت با مردم بپرهیز مگر آن که در میانشان خردورزی درستکار بیابی، پس با او الفت گیر و از دیگران همچون گریز از درندگان شکاری بگریز».

حضرت (ع) در اینجا از عقل تعبیر به قلب می کند و می فرماید: «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ - {إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ} يَعْنِي الْعُقْلَ وَ قَالَ {وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ} قَالَ الْفُهْمَ وَ الْعُقْلُ؛ ای هشام! همانا خداوند فرموده است: «قطعا در این [عقوبت‌ها] برای هر صاحب‌دل عبرتی است». یعنی آن که خردمند است و فرموده است: «و به راستی لقمان را حکمت دادیم». یعنی درک و عقل. امام کاظم (ع) تفکر، شکرگزاری، رضایت به اندک دنیا، رهایی از دنیا و گناه، زهد و رغبت،

قناعت و بی‌نیازی، راستگویی، ترس از خدا، معرفت پروردگار، حیا و مشارکت در عمل، دوری از هوای نفس و آرزوی دراز را از نشانه‌های خردورزی بر می‌شمرد.

در ادامه امام موسی کاظم (ع) هدف بعثت پیامبران الهی را تعقل می‌داند سپس حجت‌های الهی را بر مردم بیان می‌دارد: ای هشام! به راستی خدا را بر مردم دو حجت است: حجتی آشکار و حجتی نهان. و اما حجت آشکار فرستاده شدگان و پیغمبران و امامان هستند و اما حجت نهان عقلهايند. و نیز حضرت (ع) نابودی عقل را در آرزوی دراز و هوای نفس و پرگویی و عدم اطاعت الهی و طمع بیان می‌کند. امام کاظم (ع) صبر را نشانه قوت عقل می‌داند و عاقبت تعقل نکردن را عدم معرفت پایداری که بصیرت به دنبال ندارد، بیان می‌کند:

حضرت (ع) ویژگی‌های عقل را از زبان حضرت امیرالمؤمنین (ع) چنین بیان می‌کند: ای هشام! امیر مؤمنان (ع) بارها می‌فرمود: هیچ چیزی که خداوند با آن فرمانبرداری شود برتر از عقل نیست و عقل مرد، کامل نگردد جز آن که شش ویژگی گوناگون را دارا باشد: (مردم) از کفر و شرّ او در امان باشند و هدایت و نیکی از او خواسته شود و زیادی دارایی اش [به دیگران] بخشیده شود و زیادی گفتارش بازداشته شده باشد، سهمش از دنیا همان قوت روزانه اش باشد و هرگز از علم آموزی سیر نشود، خواری همراه با خداوند برایش محبوبتر از ارجمندی همراه دیگری است و فروتنی برایش محبوبتر از اشرافی‌گری است. احسان اندک دیگران را بسیار و احسان بسیار خویش را اندک شمارد و همگان را بهتر از خود و خویشان را پست‌ترین مردم بداند و این تمام کار است».

حضرت (ع) نیک خردترین افراد را چنین توصیف می‌کند: ای هشام! از این سرای و مردمانش پروا کن؛ زیرا مردم چهار دسته‌اند: مردی نابود و هم آغوش هوای نفسانی‌اش و یادگیرنده‌ای قرآن خوان که هر چه دانش او فزون گردد تکبرش بیشتر شود که با قرآن خواندن و دانش خویش بر آن کس که پایین دست اوست تکبر ورزد و عبادت پیشه نادانی که آن کس را که پایین دست اوست در عبادت کوچک می‌شمارد، دوست دارد که بزرگ داشته شود و محترم انگاشته شود و صاحب بصیرتی دانا و آگاه به راه حق که دوست دارد در راه خدا به پا خیزد ولی ناتوان یا شکست خورده

است و توان بپا خیزی برای آنچه که می‌داند را ندارد؛ پس او اندوهناک و غمگین است و او بهترین مردم زمانه خویش و نیک‌خردترین آنان است».

در نهایت حضرت موسی کاظم (ع) نکاتی درباره عقل و جهل به هشام می‌گوید: ای هشام! خرد و لشکریانش و نادانی و لشکریانش را بشناس تا از هدایت یافتگان باشی. هشام گفت: پس به امام کاظم (ع) عرض کردم: فدایت گردم، ما چیزی جز آنچه به ما یاد داده‌اید نمی‌دانیم. ای هشام! همانا خداوند خرد را آفرید و آن نخستین آفریده از روحانیین است که خداوند از سمت راست عرش از نور خویش بیافرید، پس به او فرمود: برگرد پس برگشت، آنگاه به او فرمود: پیش رو ای پس پیش‌رو آمد. پس خدای جلیل و عزیز فرمود: تو را مخلوقی بزرگ آفریدم و بر تمام آفریدگانم تو را ارجمند داشتم، پس آنگاه نادانی را از دریایی تلخ و تیره آفرید. پس به او فرمود: برگرد پس برگشت، آنگاه فرمود: پیش رو آی و آن پیش رو نیامد، پس به او فرمود: خود را بزرگ داشتی، پس او را لعنت نمود سپس برای خرد هفتاد و پنج لشکر نهاد. پس چون نادانی دید که خداوند چگونه به خرد ارج می‌نهد و چه به او بخشیده است دشمنی او را به دل گرفت و نادانی گفت: پروردگارا! این آفریده‌ای همانند من است که او را آفریدی و ارج نهادی و توانیش ساختی و من ضلّه‌اوم و توان و نیرویی ندارم. همانند لشکری که به او ارزانی داشته‌ای به من نیز ارزانی نما، پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: آری! ولی اگر از این پس، از فرمانم سر باز زنی تو و لشکرت را از پیشگاه و رحمت خویش بیرون رانم. پس نادانی گفت: به راستی پذیرفتم. پس خداوند به او هفتاد و پنج لشکر داد. و یکی از هفتاد و پنج لشکری که خداوند به خرد عطا نمود خیر بود که وزیر خرد است و ضلّه آن را شرّ قرار داد که وزیر نادانی است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۲-۳۸۶).

### عقل از دیدگاه امام رضا (ع)

امام رضا (ع) نیز عقل را نعمتی از نعمت‌های خداوند می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳) و نیز امام رضا (ع) در بیان قیمت و گرانبهایی عقل می‌فرمایند: دوست هر انسانی عقل اوست و دشمنش جهل است (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۸) عقل از چنان ارزشی برخوردار است که

- حضرت (ع) از آن به عبادت تعبیر می‌کند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰).
- امام رضا (ع) در روایتی ۱۰ نشانه برای عاقل ذکر می‌کند و می‌فرماید: عقل هیچ مسلمانی به کمال نمی‌رسد مگر آنکه ده صفت در او یافت شود:
۱. مردم از وی همیشه آرزوی خیر داشته باشند.
  ۲. از شرش در امان باشند.
  ۳. خیر دیگران در نظرش زیاد جلوه کند.
  ۴. خیر خودش را اندک شمارد.
  ۵. اگر از وی هر حاجتی بخواهند خسته نشود.
  ۶. در طول عمرش از طلب علم ملول و دل‌تنگ نشود.
  ۷. نیازمندی در رابطه با خدا از ثروت در نزد او محبوب‌تر باشد.
  ۸. خواری در رابطه با خدا از عزت به دست آوردن در نزد دشمنان خدا نزد او گرامی‌تر باشد.
  ۹. گمنامی نزد او لذت بخش‌تر از شهوت باشد. سپس فرمود: اما صفت دهم و چه دهمی؟ سؤال شد آن چیست؟ فرمود:
۱۰. کسی را نبیند جز آنکه او را از خودش بهتر و با تقوا تر بینگارد زیرا در این مورد مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای بهتر و با تقواتر از او و دسته‌ای در مرتبه پایین‌تر. هرگاه کسی را ملاقات کند که از وی در مرتبه پایین‌تری است با خود اندیشد که شاید این شخص در باطن از او بالاتر است و خود را کمتر از او ارزیابی کند و اگر کسی را ببیند که بهتر از اوست در برابرش تواضع کند تا به او ملحق شود. هرگاه کسی به این درجه از کمال رسید مقامی ارجمند یافته و خیرش همه جا را فرا خواهد گرفت و نام نیکش همه جا یاد می‌شود و برتر از اهل زمان خویش می‌گردد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۳).
- بدیهی است مسیر شناخت نفس بهترین راه برای رسیدن به پروردگار از منظر امام رئوف است (حلی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۲) و نیز معرفت حقیقی در گرو عقل خالصی است که از آشوب جدال و دسیسه خیال پیراسته است. در این خصوص ابن السکیت از حضرت رضا (ع) پرسد: امروز حجّت



خداوند بر خلق چیست؟ حضرت (ع) فرمود: عقل است که با آن انسان راستگو شناسایی شده، راستی او گواهی می‌شود و نیز دروغگو شناخته شده، دروغ او گواهی می‌شود. می‌توان پیامبر صادق را از مدعی دروغین پیامبری تمیز داد اما شناخت خداوند تنها به برکت عقل خالص و پاک و برهان محض است چون حسن، توانایی شناخت خداوند را ندارد. زیرا او موجودی است که دیدگان توان درک او را ندارند، با اینکه او همه دیدگان را می‌بیند و خداوند لطیف و خبیر است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵). امام رضا (ع) در مناظرات کلامی خود از عقل و حکمت استفاده می‌کردند (همان، ص ۲۰۰) و مسائلی چون استناد حدوث اراده به امر بدیهی (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۸۳)، نفی وجود ذاتی ما سوی الله (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۵ و ۴۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۸)، توحید صفاتی (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۴ و ۱۳۰)، حدوث عالم (همان، ص ۲۹۳)، توحید افعالی و نفی جبر (همان، ص ۳۶۱-۳۶۳) را از طریق عقل اثبات کردند.

### عقل از دیدگاه امام جواد (ع)

عقل از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است به طوری که انسان بواسطه عقل رجحان پیدا می‌کند. امام جواد (ع) در این زمینه می‌فرماید: فرزندان آدم شبیه به عیار سنج اند که گاهی به علم و دانش بر دیگری رجحان پیدا می‌کنند، - گاهی به عقل و کیاست و زیرکی - و گاهی به جهل و نادانی کاستی می‌یابد (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۴۶). و نیز حضرت (ع) غلبه عقل بر جهل را عامل موفقیت و پیروزی می‌داند و می‌فرماید: پیوسته عقل و جهل بر شخص غلبه می‌کنند (گاهی مغلوب جهل شده و زمانی عقل بر آن چیره می‌شود) تا وقتی که به سن هیجده سالگی رسید در این موقع هر کدام از آن دو، در او بیشتر بود همان پیروز می‌شود (همان، ص ۳۵۰). و ثمرات عقل را در حسن ادب (همان، ص ۳۴۷)، حسن مدارا، کمال (همان)، انصاف (همان، ص ۳۴۸) و استواری حکمت را در فکر بیان می‌کند (همان، ص ۳۴۸). امام جواد (ع) یکی از مواردی که باعث رشد و شکوفایی عقل می‌شود را دیدار برادران دینی معرفی می‌کند (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۲۹) و عدم اختلاف در بین مردم و اصلاح و رشد اخلاقی را از برکات وجود عاقل در بین مردم بیان می‌کند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۴۹). همچنین حضرت (ع) از زبان حضرت علی (ع) توصیه ای به

عقل می‌کنند و می‌فرمایند: محتتها را نهایتی است که ناگزیر در آن جا پایان می‌یابند. پس، بر خردمند لازم است که تا رفتن آنها چشم برهم نهد؛ زیرا به هنگام روی آوردن محتتها، با چاره اندیشی به مقابله آنها رفتن بر شدتشان می‌افزاید (همان، ص ۳۴۶).

### عقل از دیدگاه امام هادی (ع)

به دلیل فضای خفقان سیاسی آن زمان در باب عقل و خرد احادیث اندکی از امام هادی (ع) روایت شده که به آن پرداخته می‌شود.

امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره صاحبان خرد را ائمه معصوم (ع) می‌داند که خود هدایت‌کننده و روشن‌کننده‌ی راه و طریق مردم هستند: «السَّلامُ عَلَی أئِمَّةِ الهُدَى، وَ مَصَابِیحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التُّقَى، وَ دَوَى النَّهَى، وَأُولَى الْحِجَى» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰)؛ سلام بر امامان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های تقوا و صاحبان خرد و فرزندگان. و در بیان نقش عالمان دین در زمان غیبت که با حجت‌ها و دلیل‌های محکم الهی از دین خدا دفاع می‌کنند، می‌فرماید: اگر در زمان غیبت امام قائم (عج) عالمانی نبودند که دعوت‌کننده و راهنماکننده به سویش باشند و با براهین الهی از دین او دفاع نمایند و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند و از بند نواصب و دشمنان اهل بیت رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می‌شدند، لکن این علماء، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می‌کنند، همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد؛ آنها برترین افراد در پیشگاه خداوند عزوجل هستند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸).

### عقل از دیدگاه امام حسن عسکری (ع)

امام حسن عسکری (ع) عقل را زیبایی باطن معرفی می‌کند (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۱۴۵) و نیز ارزش و مقام عاقل بسیار بالاست که خداوند با او سخن می‌گوید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۶) و نیز جایگاه ویژه اندیشه و تفکر را این‌گونه بیان می‌فرماید: عبادت به بسیاری نماز و روزه نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است (همان، ص ۴۸۸).

یکی از نشانه های اندیشمندان، شیوه سخن گفتن آنان است. نوشته ها، حرفها و کلمات ایشان به خوبی میزان عقل و رشد آنان را بیان می دارد. در این باره امام حسن عسکری (ع) فرمود: دل نابخرد در دهان او است، و دهان خردمند فرزانه، در دل او (همان). دلیل این امر آن است که بر اثر اندیشه، روح و عقل انسانی روشن می شود و در پرتو آن نورانیت، حق و باطل، و درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص می دهد، در حالی که بی خردان در ظلمت جهل به سر می برند. به همین جهت، امام حسن عسکری (ع) فرمود: بر شما باد به اندیشیدن! پس به حقیقت، تفکر موجب حیات و زندگی دل آگاه، و کلیدهای دربهای حکمت است (دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۷).

عالم آخرت تجسم وسیع و گسترده ای از عالم دنیا است و همه حقایق این جهان در آنجا به صورت متناسبی مجسم می گردد. آنها که با عقل خود اندیشه نکردند و با چشم جانشان در دیدن حقایق دقت به خرج ندادند، در روز قیامت نابینا محسور می شوند. امام حسن عسکری (ع) این حقیقت را با گوشزد کردن آیه ای از قرآن، برای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری در طی نامه ای چنین بیان می کند: ای اسحاق! خداوند بر تو و امثال تو از آنهایی که مورد رحمت الهی قرار گرفته و همچون تو دارای بصیرت خدادادی می باشند، نعمت خویش را تمام کرده است. . . پس به یقین بدان ای اسحاق که هر کس از دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت هم نابینا و گمراه خواهد بود. ای اسحاق! چشمها نابینا نمی شوند؛ بلکه دلهایی که در سینه ها هستند نابینا می شوند: و این سخن خداوند در کتاب متقن خویش است آنجا که از زبان انسان ستم پیشه بیان می کند: «پروردگارا چرا مرا نابینا محسور نمودی با اینکه دارای چشم بودم؟ [خداوند در جواب] می فرماید: همان گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۴).

### عقل از دیدگاه امام زمان (عج)

حضرت حجت (ع) از نظرها غایب است و کمتر روایتی از ایشان در اختیار ما هست بنابراین روایات در زمینه عقل از ایشان بسیار اندک است. روایتی از حضرت حجت (عج) نقل شده که به مردم متذکر می شود به منابع عقل پناه ببرید: آیا نمی بینید که خداوند برای شما منابع عقل را قرار

داده که به آن منابع پناه می‌برید و پرچمها و نشان‌هایی نصب کرده که بواسطه آنها هدایت می‌شوید و این روش از زمان حضرت آدم شروع شد تا اینکه امام عسکری علیه السلام که درود خدا بر او باد آشکار شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۷)؛ به نظر می‌رسد این روایت منابع عقل را ائمه معصوم (ع) می‌داند و اینکه ایشان پرچم‌هایی هستند که هادی امتند لذا زمین هیچگاه از حجت خالی نمی‌ماند. طبق روایت امام باقر (ع) عقل‌ها در دوران ظهور شکوفا می‌شوند: وقتی قائم ما قیام کند، خداوند، دست او را بر سر بندگان قرار می‌دهد و از این طریق عقل آنان را جمع می‌کند و عقل‌هایشان به کمال می‌رسد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۵). منظور از شکوفایی عقل در عصر ظهور این است که عقل از حالت دینه ای خود خارج می‌شود و سطح افکار و اندیشه مردم به چنان رشدی می‌رسد که موانع و غبارهایی که عقل انسان‌های پیش از ظهور را به اسارت خود در آورده بود از بین می‌روند. عقل در عصر ظهور و در پرتو ولایت با فروپاشی لشکر نفس انسانها راه فطرت اصیل خویش بازمی‌گرداند قوای ظاهری و باطنی انسان‌ها را در تسلط خویش می‌گیرد و بر خواسته‌های نفسانی پیروز می‌شود. در نتیجه عقلانیت راستین بر شیطنت و نیرنگ و نفس حاکم می‌گردد همچنین عقلانیت در عصر باشکوه ظهور از تعادل قابل توجهی برخوردار خواهد بود همانطوری که به رشد عقل نظری و عملی در بعد فردی و اجتماعی توجه ویژه‌ای شده به رشد عقلانیت ابزاری که در خدمت عقل نظری و عملی قرار می‌گیرد نیز توجه خاصی خواهد شد آنچنان که باشکوهترین فصل تاریخ بشری رقم خواهد خورد (دریکوندی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴).

### نتیجه

با بحث و بررسی در منابع دینی درباره عقل از منظر معصومین (ع) نتایجی از این قبیل حاصل شد: سخن از عقل از نگاه معصومان (ع) از نیازهای ضروری ماست و می‌تواند تحولی اساسی در زندگی ایجاد کند. روشن است شناخت ضرورت و بایستگی عقل و تقویت تفکر عقلانی و پیگیری این بحث و به کارگیری تمام امکانات مادی و معنوی در جهت ترویج این عقیده، راهبرد اساسی زندگی خواهد شد چرا که براساس روایات معصومین (ع) تفکر و برهان‌های عقلانی هویت اصلی و اساسی انسان هستند.

از روایات معصومان (ع) که وارثان و عالمان قرآن هستند، اهمیت و جایگاه والای عقل فهمیده می شود. به طوری که همه ی چهارده معصوم (ع) در قالب های مناظره و گفتگو، درس و بحث و حتی در قالب دعا سخنان گهرباری در باب عقل و استدلال های عقلی دارند که سرلوحه ی تفکر عقلانی بشر است. عقل محبوب ترین آفریده خدای متعال است که میزان تشخیص حق از باطل، عامل بازدارنده انسان از گناه و بدی ها و راهنمای خیر و سعادت است. کارکردهای عقل در سه حوزه ی شناختی، عاطفی و عملکردی نمایان است. عقلی بهترین معیار برای سنجش حق از باطل است که به دور از هوی و هوس، عجب و خودبینی، ظن و گمان و غفلت باشد. و در نهایت در زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری عقل ها به نهایت رشد و شکوفایی خود خواهند رسید.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آقا جمال خوانساری محمد بن حسین. ۱۳۶۶. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران. ۷ جلد.
۲. پاکتچی احمد. ۱۳۹۱. مبانی و روش اندیشه‌ی علمی امام صادق (ع). چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). ۶۰۰ صفحه.
۳. دریکوندی روح الله. ۱۳۹۴. عصر خرد (تکامل عقول در عصر ظهور). چاپ اول. قم: مرکز تخصصی مهدویت. ۲۷۲ صفحه.
۴. قزوینی محمدکاظم. ۱۳۹۳. فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت. ترجمه حسین فریدونی. چاپ دهم. تهران: نشر آفاق. ۸۲۶ صفحه.
۵. ابن ابی جمهور محمد بن زین الدین. ۱۴۰۵. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. چاپ اول. قم: دار سید الشهداء للنشر. ۲ جلد.
۶. ابن ابی فراس ورام مسعود بن عیسی. ۱۴۱۰. مجموعه ورام. چاپ اول. قم: مکتب فقیه. ۲ جلد.
۷. ابن ادريس حلی محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۳ جلد.
۸. ابن بابویه محمد بن علی. ۱۳۷۶. الامالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی. ۶۸۰ صفحه.
۹. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۵. کمال الدین. چاپ دوم. تهران: اسلامیه. ۲ جلد.
۱۰. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۸. التوحید. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین. ۴۶۱ صفحه.
۱۱. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳. من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۴ جلد.
۱۲. \_\_\_\_\_ ۱۳۷۸. عیون اخبار الرضا. چاپ اول. تهران: نشر جهان. ۲ جلد.
۱۳. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۳. معانی الاخبار. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۴۳۶ صفحه.

۱۴. \_\_\_\_\_ ۱۳۸۵. علل الشرائع. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری. ۲ جلد.
۱۵. \_\_\_\_\_ ۱۳۶۲. الخصال. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۲ جلد.
۱۶. ابن حیون نعمان بن محمد. ۱۳۸۵. دعائم الاسلام. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۲ جلد.
۱۷. ابن سعد الدین شافعی براهیم. ۱۴۰۰. فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الائمه من ذريتهم (ع). چاپ اول. بیروت: مؤسسه المحمود. ۲ جلد.
۱۸. ابن شعبه حرانی حسن بن علی. ۱۴۰۴. تحف العقول. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین. ۵۱۵ صفحه.
۱۹. ابن شهر آشوب محمد بن علی. ۱۳۷۹. مناقب آل ابی طالب (ع). چاپ اول. قم: علامه. ۴ جلد.
۲۰. اربلی علی بن عیسی. ۱۳۸۱. کشف الغمۀ فی معرفۀ الأئمۀ. چاپ اول. تبریز: بنی هاشمی. ۲ جلد.
۲۱. آمدی عبدالواحد. ۱۴۱۰. غررالحکم. چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامی. ۸۴۰ صفحه
۲۲. برقی احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱. المحاسن. چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامیه. ۲ جلد.
۲۳. حرعاملی محمد بن حسن. ۱۴۱۸. فصول المهمه. چاپ اول. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع). ۳ جلد.
۲۴. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۹. وسائل الشیعۀ. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۳۰ جلد.
۲۵. حلوانی حسین بن محمد. ۱۴۰۸. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. چاپ اول. قم: مدرسه الامام المهدي (عج). ۱۵۲ صفحه.
۲۶. حلی رضی الدین علی بن یوسف. ۱۴۰۸. العددالقویه. چاپ اول. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی. ۳۹۷ صفحه.
۲۷. دیلمی ابی محمد بن الحسن بن محمد. ۱۴۰۸. أعلام الدین فی صفات المؤمنین. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع). ۵۳۲ صفحه.
۲۸. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۲. إرشاد القلوب إلى الصواب. چاپ اول. قم: شریف الرضی. ۲ جلد.

۲۹. رضی محمد بن حسین. ۱۳۸۰. مجازات النبویه. چاپ اول. قم: دارالحدیث. ۴۶۰ صفحه.
۳۰. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۴. نهج البلاغه. ترجمه صبحی صالح. قم: هجرت.
۳۱. صدر الدین محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۳. شرح اصول الکافی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۴ جلد.
۳۲. طبرسی احمد بن علی. ۱۴۰۳. الإحتجاج. چاپ اول. مشهد: نشر مرتضی. ۲ جلد.
۳۳. عروسی حویزی عبدعلی بن جمعه. ۱۴۱۵. نور الثقلین. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان. ۵ جلد.
۳۴. فتال نیشابوری محمد بن احمد. ۱۳۷۵. روضه الواعظین. چاپ اول. قم: رضی. ۲ جلد.
۳۵. فیض کاشانی محسن. ۱۴۰۶. الوافی. چاپ اول. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (ع). ۲۶ جلد.
۳۶. کراجکی محمد بن علی. ۱۴۱۰. کنزالفوائد. چاپ اول. قم: دارالذخائر. ۲ جلد.
۳۷. کلینی محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷. الکافی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۸ جلد.
۳۸. مجلسی محمدباقر. ۱۴۰۳. بحارالانوار. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۱۰ جلد.
۳۹. مصطفوی حسن. ۱۳۶۸. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۴ جلد.
۴۰. مفید محمد بن محمد. ۱۴۱۳. الامالی، چاپ اول. قم: کنگره شیخ مفید. ۴۱۸ صفحه.